

## تغییرات زیست‌محیطی و تحول در مفهوم امنیت بین‌الملل

مرضیه محمدی<sup>۱</sup>

چکیده

بروز مخاطرات انسانی و طبیعی در مقایس جهانی، تغییر گفتمان‌ها را در پی داشته و موجب طرح مفاهیمی نو هم‌چون امنیت انسانی، امنیت زیست‌محیطی و... در حوزه امنیت بین‌الملل شده است. مداخله انسان در طبیعت باعث گرمایش زمین و تغییرات اقلیم شده که در حوزه معیشت و امنیت پایدار افراد و اجتماعات در سراسر زیست‌کره، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، آثار نامطلوبی به دنبال داشته است. به همین دلایل، امنیت انسانی فراتر از مرزهای سیاسی در بستر زیست‌کره، محور پژوهش و کانون توجه قرار گرفته است. بیم نابودی محیط طبیعی تا کنون زمینه‌ساز امضای چندین توافق‌نامه و کنفرانس‌های بین‌المللی (پروتوکل مونترال ۱۹۸۷، اجلاس زمین ۱۹۹۲، کنفرانس کبوتو ۱۹۹۹، کنفرانس زوهانسبورگ ۲۰۰۲، کنفرانس بین‌المللی اقلیمی ۲۰۰۹ و کنفرانس تغییر اقلیم پاریس ۲۰۱۵) شده که نشان‌دهنده جایگاه محیط‌زیست نزد افکار عمومی و اندیشمندان حوزه سیاست است. بروز بحران‌های زیست‌محیطی، نظیر کمبود آب و منابع طبیعی، خشکسالی و... زمینه تقویت ادبیات امنیت زیست‌محیطی را فراهم کرده است. در این میان، افغانستان به علت ضعف بنیادهای اجتماعی و مدیریت از آثار کشمکش‌های جهانی در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته به مراتب آسیب‌پذیرتر است.

واژگان کلیدی: امنیت ملی، اصل همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی، تغییرات اقلیم،

حفاظت از محیط‌زیست.

۱. دانشجوی دکتری مهندسی محیط زیست (M.Mohammadi@vpo.gov.af).

## مقدمه

امنیت، احساسی برخاسته از وجود ساختارها و فرایندهایی است که در پرتو آن فرد یا واحد سیاسی خود را در برابر هرگونه گزند (عینی یا ذهنی) پایدار و ماندگار تلقی کند. تأمین امنیت انسانی مستلزم اتخاذ زهیافت هفت‌بعدی است که شامل امنیت اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، شخصی، اجتماعی و سیاسی می‌شود. برای تحقق و تأمین این هدف، به تهدیدات محیط‌زیستی نیز باید اولویت داده شود و امنیتی گردد. امنیت زیست‌محیطی<sup>۱</sup>، اصطلاحی است که توسط دانشمندان برای اثبات پیوستگی میان شرایط زیست‌محیطی و تهدیدات امنیتی به کار می‌رود. پس از فروپاشی شوروی، مباحث امنیت به طور چشم‌گیری توسعه یافت. در این میان، نفی نظامی‌گری بخشی از دستور کار امنیت جهانی شد و طیف گسترده‌ای از تهدیدات علیه صلح، به‌ویژه تهدیدات زیست‌محیطی، بهره‌کشی از طبیعت و آلودگی منابع زیستی طرح مسئله شدند (کازیانی‌راد، ۱۳۹۰: ۸۷). بر همین اساس، برای شناخت اثرات فعالیت‌ها و مداخله انسانی که پدیده‌گرمایش جهانی و تغییرات اقلیم از نتایج آن بوده و پیامدهای امنیت انسانی آن به شکل کشمکش و رقابت بر سر منابع نمود یافته، زمینه را برای مطالعه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تضادهای یادشده فراهم کرده است که از آن جمله می‌توان به امنیت زیست‌محیطی اشاره کرد. میزان شدت و فشار بحران‌های جهانی زیست‌محیطی تابعی از وضعیت ژئوپلیتیک است. دولت‌ها می‌توانند برای محافظت از شهروندان در زمینه منشأ تنش‌ها مطالعه و بررسی انجام دهند و برای حل منازعات چاره‌اندیشی کنند.

آسیب‌پذیرترین مردم کسانی هستند که در شرایطی زندگی می‌کنند که دولت‌ها ناکارآمداند. این وضعیت، که مردم آسیب‌پذیرند و دولت نیز ناتوان است، تأثیرات شدید محلی، منطقه‌ای و جهانی دارد. بر اساس نظرسنجی‌های افکار عمومی که بنیاد آسیا در سال ۲۰۰۴ انجام داد و در سال ۲۰۰۵ به چاپ رسید، دو سوم مردم افغانستان بر این باورند که بزرگ‌ترین مشکل کشور، امنیت است. تعداد ۳۷ درصد از مردم نیز بزرگ‌ترین مشکل امنیت را خشونت می‌دانند. ۲۹ درصد از آنان بعد از خشونت، فقر، اقتصاد و شغل را به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مشکل کشور می‌دانند. محیط‌زیست نیز در کنار هریک از این شاخص‌ها قرار می‌گیرد. از این روست که تلاش برای رفع معضلات زیست‌محیطی، ضمن جلوگیری از بروز تنش‌ها در میان اقوام

1. Environmental Security.



گونگون، بهداشت، اقتصاد و امنیت غذایی را به همراه خود خواهد داشت.

افغانستان به علت موقعیت جغرافیایی، بسیار مستعد خطرات طبیعی مانند سیل، زلزله، ریزش برف، زمین‌لغزش‌ها و خشکسالی است. مباحث امنیت زیست‌محیطی با افغانستان ارتباط ویژه دارد؛ زیرا شاخص‌های متعدد جهانی، افغانستان را یکی از آسیب‌پذیرترین کشورهای جهان در برابر بحران‌های زیست‌محیطی شناسایی نموده‌اند (شاخص سازگاری جهانی نوتردام، ۲۰۱۴). در وضعیت کنونی، کشورهای در حال توسعه از جمله آسیب‌پذیرترین کشورها در برابر اثرات تغییر اقلیم‌اند. افغانستان نیز از جمع کشورهای است که با وجود کم‌ترین سهم (۰.۰۵ درصد) در تغییرات اقلیمی، بیش‌ترین آسیب را دیده و آسیب‌های جدی نیز کشور ما را تهدید می‌کند. علاوه بر آن، به علت بی‌ثباتی و جنگ‌های متمادی در سه دهه اخیر بیش‌تر زیربنای تخریب یا ویران شده و ساختارها را ضعیف ساخته است. متأسفانه در سال‌های اخیر، اکوسیستم‌ها در سراسر کشور خیلی شکننده بوده و در بیش‌تر مناطق تحت تأثیرات مخرب ناشی از فعالیت‌های انسانی، وضعیت آسیب‌پذیری‌های کنونی وخیم‌تر شده است؛ خصوصاً خشکسالی‌های مکرر و سرازیر شدن سیلاب‌ها و فرسایش خاک، در حال حاضر، افغانستان دچار خشکسالی‌های شدید می‌باشد؛ اما از طرف دیگر، به سبب پدیده گرمایش جهانی و آب‌شدن یخچال‌ها در مناطق کوهستانی، سرازیر شدن سیلاب‌های پی در پی را نیز تجربه می‌نماید. هم‌چنان افغانستان یک کشور متکی به زراعت بوده و تقریباً ۷۹٪ جمعیت کشور در بخش زراعتی مشغول می‌باشند. اگرچه بخش زیادی از فعالیت‌های زراعتی بر بارندگی خیلی کم اتکا دارد؛ اما یک بخش بزرگ دیگر بر جریان آب دایمی رودها که از کوهستان‌های مرکزی سرچشمه می‌گیرند، متکی می‌باشد. در نتیجه، بروز خشکسالی سال‌های اخیر، در منابع آب تأمین‌کننده بخش زراعت نوساناتی ایجاد شده است. امروزه، امنیت آب و هوا و امنیت انسانی به هم پیوند خورده‌اند و نیازمند همگرایی سیاسی می‌باشند. این مقاله مطالعه‌ای در مورد ارتباط مفاهیم امنیت زیست‌محیطی و امنیت انسانی است. این مقاله استدلال می‌کند که مفاهیم امنیت زیست‌محیطی می‌توانند جنبه‌های مختلف تهدیدات ملی را برای کشور ایجاد نمایند و در آشفتگی‌های اجتماعی نقش داشته باشند. در حال حاضر، مسئله تغییر آب و هوا در اکثر کشورها به مسئله بقای ملی تبدیل شده است. برنامه‌های سیاسی و پروژه‌های تکشافی ممکن است منجر به استفاده ناکارآمد از منابع کم‌یاب شوند؛ با این حال، اگر این اقدامات به شیوه‌ای مناسب و یکپارچه اجرا شوند، می‌توانند موجب بهبود





سیاست‌های سازگاری با تغییرات آب و هوا شوند و امنیت انسانی را ارتقا دهند.

در این پژوهش سعی شده است تا با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و گردآوری و طبقه‌بندی داده‌ها، به شیوه‌ای استدلالی بر لزوم مدیریت پایدار منابع در راستای نیل به محیط‌زیست پایدار که متضمن امنیت انسان‌ها باشد، پرداخته شود. مطالعه حاضر از لحاظ هدف بنیادی و روش انجام آن توصیفی و تحلیلی می‌باشد. هم‌چنین در جمع‌آوری داده‌ها از اطلاعات موجود در منابع معتبر علمی نیز بهره گرفته شده است.

## ۱. مفهوم امنیت ملی

برای امنیت ملی تعاریف گوناگونی آورده‌اند. یکی از تعاریف موجود برای این مفهوم، تعریف کلاسیک آن است. بنابر این تعریف، امنیت عبارت است از: توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود (علیزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۹). در این تعریف، بر جنبه نظامی امنیت تأکید شده است. یکی از نخستین کسانی که امنیت ملی را تعریف کرده است، «والتر لپمن»؛ نویسنده و محقق آمریکایی، است. لپمن می‌گوید: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد.» (Lippman, 1983: 5). تعاریف‌های کلاسیک امنیت ملی تقریباً همه به بعد نظامی امنیت تأکید دارند. در شکل‌گیری این تعاریف همواره فرض بر وجود وضعیت تنازع و برخورد بوده است. بعد از جنگ جهانی دوم، امنیت ملی چندبعدی شد و جنبه‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را دربرگرفت. تهدیدهای امنیت ملی به تهدیدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و محیط‌زیستی قابل تقسیم‌اند که جوهره همه آن‌ها صیانت از کشور در قبال خطرات و تهدیدهای اساسی نسبت به سرزمین، جمعیت و نظام سیاسی است. در عصر حاضر، نگرانی‌های مربوط به تخریب محیط و برخورد‌های اجتماعی ناشی از تغییرات اقلیمی به بحث‌های امنیت کره زمین و ملت‌ها اضافه شده است و صدها حکومت و رهبران دولت‌ها برای مبارزه با خطرات اکلوزی جهانی با هم متحد شده‌اند. تأثیرات تغییر اقلیم اکنون تهدیدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را برای جامعه جهانی به وجود آورده است. مسئله تغییر آب و هوا در اکثر کشورها به مسئله بقای ملی تبدیل شده است. تأکیدی که در دهه‌های اخیر بر استراتژی‌های حفاظت از محیط‌زیست صورت گرفته است، نشان می‌دهد که



دیگر در زمان ما امنیت ملی هم‌چون قرون گذشته صرفاً مفهوم نظامی ندارد و هر روز بیش‌تر از پیش، امنیت زیست‌محیطی به‌عنوان جزئی از امنیت ملی و جهانی خود را نشان می‌دهد.

مسئله دیگری که مفهوم امنیت ملی را دستخوش تحول کرده است، تحولات اقتصادی عصر ماست. تأمین استقلال اقتصادی و امکانات خوداتکایی کشورها یکی از شرایط پیشبرد مبانی امنیت ملی است. پیشرفت اقتصادی از نظر دیگری نیز حائز اهمیت است و آن این‌که رفاه نسبی مردم را فراهم می‌آورد و موجب ثبات سیاسی و اجتماعی کشور می‌شود. رفاه و رضایت مردم در تحکیم قدرت کشور سهم مهمی دارد. عقب‌افتادگی در واقع نوعی ناامنی است؛ زیرا موجب تنش و بحران داخلی و ترغیب مداخلات خارجی می‌شود. اکثر دولت‌مردان امروزی به صراحت می‌گویند که امنیت ملی از توسعه سرچشمه می‌گیرد و شاخص توسعه، شاخص امنیت ملی نیز هست. تحکیم بنیه اقتصادی و صنعتی یک کشور پشتوانه‌ای است برای قدرت نظامی آن کشور؛ تقویت قدرت نظامی بدون پشتوانه اقتصادی و صنعتی میسر نیست. در سال‌های اخیر، فعالیت‌های دیپلماتیک برای رسیدن به توافق‌های بین‌المللی بر سر مسائل زیست‌محیطی شتاب زیادی گرفته و این اقدامات بیانگر این است که تباهی محیط‌زیست جهانی تهدیدی واقعی برای همه ملت‌ها و مردم جهان است. قوانین بین‌المللی زیست‌محیطی گامی درست در جهت به وجود آمدن یک جامعه پایدار در سطح کره خاکی است که می‌بایست با ایجاد سیاست‌های عدالت‌خواهانه، با هدف تضمین فرصت‌های شغلی و زندگی در یک محیط باکیفیت برای تمام مردم شروع شود.

## ۲. امنیت زیست‌محیطی

امنیت زیست‌محیطی با تهدیداتی سر و کار دارد که نتیجه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها است و در مقایسه با تهدیدات نظامی بسیار کند پیش می‌رود. بحث محیط‌زیست و مسائل زیست‌محیطی ارتباط مستقیم با حیات و زندگی جمعی انسان دارد؛ زیرا هر نوع عارضه و اثر منفی بر محیط‌زیست، اثر زیانبار بر حیات انسانی دارد. از اواسط دهه ۱۹۸۰، تعداد زیادی از اساتید اظهار داشته‌اند که آثار تخریبی انسان بر محیط‌زیست باید به‌عنوان تهدید به امنیت ملی تلقی شود. این تحلیل‌گران اظهار می‌دارند که حیطه تعریف «امنیت ملی» باید وسیع‌تر شود تا مباحث مربوط به محیط‌زیست و منابع مورد تهدید را شامل شود. «امنیت محیط‌زیستی» یا



«امنیت اکولوژیکی» از واژه‌هایی است که در تشریح امنیت ناشی از تهدیدهای محیط‌زیستی و منابع استفاده می‌شود.

یک تفسیر از «امنیت محیط‌زیستی» این است که تخریب محیط‌زیست و کم‌شدن منابع، تأثیر منفی بر امنیت یک کشور دارد. تغییرات محیط‌زیستی می‌تواند منشأ درگیری و مناقشه بر سر منابع تجدیدپذیر مثل آب شیرین و منابع غذایی شود. این تفسیر از واژه امنیت محیط‌زیستی بر این مبنی است که مشکلات محیط‌زیستی، مثل گرمایش جهانی، سوراخ‌شدن لایه اوزن، باران اسیدی، تخریب جنگل‌ها و تخریب زمین‌های زراعتی، می‌توانند تأثیرهای محیط‌زیستی داشته باشند و منجر به رکود اقتصادی، آشوب اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی شوند. این تأثیرها می‌توانند موجب درگیری و حتی خشونت در داخل کشور شده و امنیت را به خطر اندازند. توجه به امنیت یک کشور از این دیدگاه تا حدودی با پارادایم سنتی واقع‌گرایان هم‌خوانی دارد که بخش مهمی از مطالعات روابط بین‌الملل و امنیت را تشکیل می‌دهد و در قالب مفاهیم کلی «امنیت ملی» و «امنیت بین‌المللی» قرار می‌گیرد.

دومین تفسیر از امنیت محیط‌زیستی بیش‌تر مربوط به تهدید تغییرات محیط‌زیستی بر امنیت فردی است. در مرکز این مفهوم این استدلال قرار دارد که سطحی از تحلیل که بر محور کشور قرار گرفته، نامناسب و گمراه‌کننده است؛ زیرا مشکلات زیست‌محیطی به مرزهای سرزمینی یا سیاسی محدود نمی‌شوند. مشکلات محیط‌زیستی مردم یا «بشریت» را تهدید می‌کنند؛ صرف‌نظر از این‌که در داخل کدام مرز ملی زندگی می‌کنند. برای این‌که مشکلی از نظر سطح تحلیل به وجود نیاید، تحلیل‌گرانی که رویکرد دوم را برمی‌گزینند، فرض را بر این می‌گذارند که حیطه تعریف امنیت ملی به‌گونه‌ای وسیع در نظر گرفته شده است که رفاه عمومی جسمی، اجتماعی و اقتصادی افراد را دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر، این کیفیت محیط‌زیست انسانی است که باید حمایت و حفاظت شود. برای این‌که هدفی که در این شیوه دنبال می‌شود گم نشود، باید تلاش شود که مفهوم امنیت محیط‌زیستی به معنای امنیت ظاهری محیط‌زیست در نظر گرفته شود؛ یعنی تنها از طریق حفاظت از بهداشت محیط و رفاه افراد تأمین شود. این دیدگاه به طور آشکار یا ضمنی پیش‌بینی می‌کند که واقع‌گرایان سنتی، رویکرد بر محور کشور به امنیت را در مدیریت مشکلات محیط‌زیستی نامناسب می‌دانند و دیدگاه جدید در روابط بین‌الملل و امنیت را برمی‌گزینند که امنیت مشترک را برای همه افراد لازم می‌داند.





این دو تفسیر درباره مفهوم امنیت محیط‌زیستی لزوماً یکدیگر را نفی نمی‌کنند؛ زیرا تأثیر مشکلات محیط‌زیست جهانی یا ملی بر افراد، ممکن است امنیت کشورها را نیز متأثر کند. مفاهیم امنیت زیست‌محیطی و آب و هوا و امنیت انسانی برای گسترش مفهوم امنیت تلاش می‌کند و تأکید بر اهمیت رویکرد مردم‌محور و ماهیت همه‌جانبه تغییرات آب و هوایی دارد.

### ۳. پیوند امنیت ملی و مسائل زیست‌محیطی

کارشناسان حوزه اقلیم‌شناسی معتقدند افغانستان نیز به همراه دیگر کشورهای جهان دچار تغییر اقلیم شده و نشانه‌های آن در سال‌های اخیر در حوزه مرکزی و جنوب کشور، به‌خصوص به صورت افزایش دما، کمبود محسوس آب شیرین، کمبود منابع آب زیرزمینی، گرد و غبار و... هویدا شده است.

این موضوع در بین عوامل جغرافیایی مؤثر بر امنیت ملی هر کشور، یعنی وسعت، نوع و شکل، موقعیت و مشخصات ظاهری، در زمره مشخصات ظاهری مؤثر بر امنیت ملی محسوب می‌شود که هم می‌تواند در راستای ارتقای ضریب امنیتی استفاده شود و هم منجر به کاهش امنیت ملی شود. از طرفی حلقه وصل این مبحث به نظریات امنیتی، به‌خصوص «مکتب کپنهاگ» بدین صورت می‌باشد که علاوه بر امنیت نظامی، سایر ابعاد از جمله امنیت زیست‌محیطی نیز مورد کنکاش قرار می‌گیرد و تأثیر تغییرات اقلیمی بر امنیت ملی را می‌توان در همین بعد امنیت مورد بررسی قرار داد.

در حوزه اقتصادی نیز تغییر اقلیم باعث می‌شود کشاورزان و دامداران در تنگنای اقتصادی قرار گرفته و سبب افزایش سطح نارضایتی عمومی داخلی از عملکرد دولت‌مردان و گاه ایجاد تنش داخلی و منطقه‌ای و سوءاستفاده معاندین از اعتراضات مردمی و چه بسا مناقشات بین‌المللی از جمله مسائل مرزی گردد که همه این مسائل در منظومه فکری مکتب کپنهاگ قابل بررسی می‌باشد؛ ضمن این‌که تهدیدات روزمره‌ای را دامن‌گیر کشور می‌نماید و سبب تحول‌های اقتصادی منفی و بستر آشوب‌های اجتماعی می‌گردد و در صورت فراهم بودن سایر بسترها، می‌تواند تهدیدات را به سایر حوزه‌ها مثل اجتماعی و نظامی بکشد که خود تهدیدی برای امنیت ملی محسوب می‌شود. برقراری و ایجاد امنیت و آرامش در هر جامعه‌ای از مهم‌ترین وظایف و اهداف هر حکومت است. تخریب زیست‌محیطی بر امنیت افراد و امنیت حکومت‌ها



تأثیر می‌گذارد. اندیشه امنیت زیست‌محیطی، زمینه‌ای را برای حفاظت از محیط‌زیست جهانی به صورت یک رویکرد در سطح بین‌الملل فراهم می‌آورد و دولت‌ها و نظام‌های بین‌المللی را به هم نزدیک و مرتبط می‌سازد تا در یک چشم‌انداز برای مقابله با تهدیدات زیست‌محیطی قرن اخیر همراه شوند. افراد و دولت‌ها از تخریب محیط‌زیست تأثیر می‌پذیرند و بنابر این مفهوم می‌بایست با یکدیگر جهت تحقق امنیت شهروندان‌شان همکاری کنند. در اثر جهانی‌شدن و توسعه انسانی، محیط‌زیست تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این اثرات در برخی موارد مطلوب و در برخی موارد نیز نامطلوب است. تخریب محیط‌زیست بر سلامتی جوامع و اقتصاد تأثیرگذار است و می‌تواند عاملی برای بروز برخوردهای خشونت‌آمیز شود که یک مسئله امنیتی است. طرفداران امنیت زیست‌محیطی استدلال می‌کنند که فشار فزاینده بر سیستم‌های حافظ زندگی و منابع طبیعی، به اندازه تهدیدات نظامی باید جدی گرفته شوند. رقابت کشورها بر سر منابعی مانند منابع آب شیرین و انرژی می‌تواند زمینه احتمالی خشونت‌های بین‌المللی را فراهم کند. درگیری بر سر آب‌های رودخانه‌های بین‌المللی از گذشته مورد علاقه برنامه‌ریزان امنیت بین‌المللی بوده است. با توجه به پیامدهای گسترده و اجتناب‌ناپذیر چالش‌های زیست‌محیطی و اولویت پیش‌گیری در مسائل امنیتی، شناسایی نقاط آسیب‌پذیر و تأثیراتی که این چالش‌ها بر امنیت ملی کشورها دارند، به منظور جلوگیری از تبدیل شدن آن‌ها به بحران، ضروری می‌نماید. گزینه‌های سیاسی مختلفی برای جلوگیری از گرمایش جهانی وجود دارد که می‌تواند باعث تغییر اوضاع جهانی شود. اول از همه، می‌توانیم از طریق تغییر منابع انرژی از سوخت‌های فسیلی و زغال سنگ به انرژی‌های فراوان تجدیدپذیر شامل بیومس، خورشیدی، باد، هیدروپاور، زمین گرمایی و غیره، میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهیم و همچنین تلاش کنیم تا راندمان بهره‌وری انرژی را در منابعی که انتشاردهنده گازهای گلخانه‌ای هستند، مانند نیروگاه‌ها و صنایع، بهبود بخشیم. در افغانستان حضور گروه‌های تروریستی آسیب‌پذیری کشور را در برابر بحران محیطی پیش‌تر می‌نماید؛ بنابراین، آنچه به مقاله حاضر ضرورت می‌بخشد، اولویت یافتن و دارای جایگاه‌شدن امنیت زیست‌محیطی و شناسایی دسته‌ای از اساسی‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی پیش روی افغانستان در حال حاضر است. در ادامه، مهم‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی افغانستان و اثرات تغییر اقلیم بر جنبه‌های گوناگون زندگی انسان تشریح می‌شود.





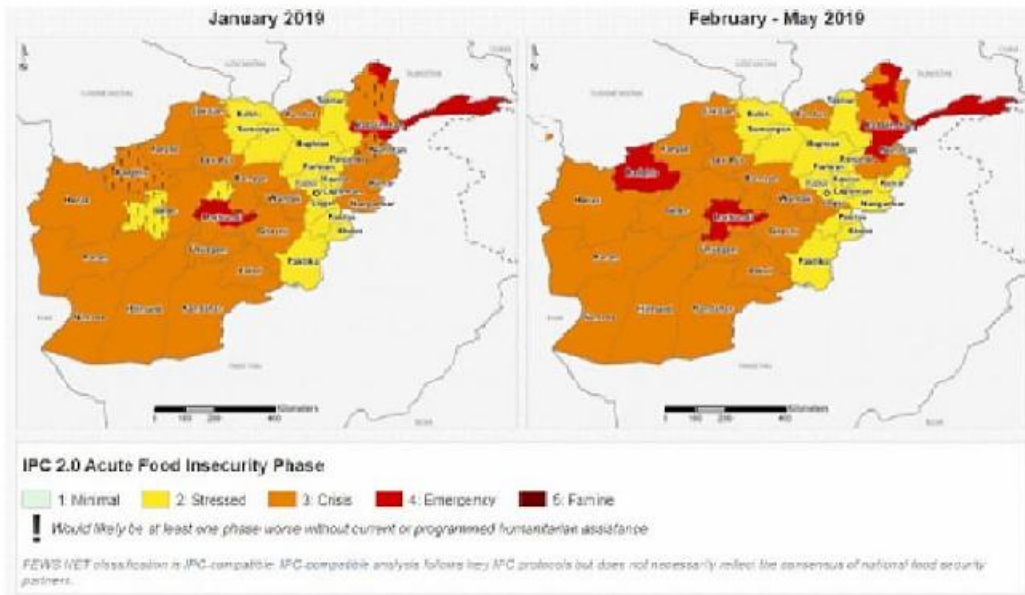
### ۱-۳. گرمایش جهانی و امنیت غذایی

امنیت غذایی برای نخستین بار در نشست جهانی غذا در سال ۱۹۷۴ مورد بحث قرار گرفت. امروزه، چالش‌هایی هم‌چون نابودی محیط‌زیست و منابع طبیعی باعث شده که موضوع امنیت غذایی به یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع بشری تبدیل شود. حتی ثروتمندترین کشورهای جهان نظیر آمریکا نیز نگران امنیت غذایی هستند. بر اساس تعریف فائو، امنیت غذایی وضعیتی است که همه مردم دسترسی مطمئن به مقدار کافی غذای سالم و مغذی برای رشد و توسعه و زندگی سالم و فعال داشته باشند (FAO, 2008). مخاطرات طبیعی زمانی که با فقر همراه شوند، آسیب‌پذیری بیشتری در پی خواهند داشت که یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات توسعه به شمار می‌روند. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۸۰ افزون بر ۶۱۰ میلیون نفر در مناطقی که هم‌اکنون بی‌ثباتی غذایی را تجربه می‌کنند، دچار سوء تغذیه شوند. در این میان، تغییر اقلیم بر گروه‌های آسیب‌پذیر به خاطر آسیب‌پذیری ذاتی، فشار فزاینده‌ای خواهد داشت. ابزار استاندارد که سازمان ملل برای این منظور به کار می‌برد، طبقه‌بندی یکپارچه فاز امنیت غذایی (IPC) نام دارد. این نظام طبقه‌بندی از ۵ فاز برای رده‌بندی سطوح مختلف امنیت غذایی استفاده می‌کند. تحلیل نتایج IPC بیانگر این است که افغانستان یک بحران بزرگ غذایی و معیشتی را تجربه می‌کند. این بحران عمدتاً ناشی از خشکسالی شدید است که تولید مواد غذایی را محدود ساخته و معیشت کشاورزان و دامداران را در تنگنا قرار داده است. علاوه بر شرایط اقلیمی، سال‌ها جنگ داخلی و بی‌ثباتی و تخریب شدید بسیاری از زمین‌های زراعی و زیربناها در نتیجه حملات گروه‌های تروریستی، منجر به وضعیت بحرانی امنیت غذایی که امروز شاهد آن هستیم، شده است.



Aug 2018 – Oct 2018			Nov 2018 – Feb 2019		
<b>9.8 million</b> 43.6% of the rural population  People facing severe acute food insecurity (IPC Phase 3+) IN NEED OF URGENT ACTION	Phase 5	0 People in Catastrophe	<b>10.6 million</b> 47.1% of the rural population  People who will be facing severe acute food insecurity (IPC Phase 3+) IN NEED OF URGENT ACTION	Phase 5	0 People in Catastrophe
	Phase 4	2,683,371 People in Emergency		Phase 4	2,683,371 People in Emergency
	Phase 3	7,228,266 People in Crisis		Phase 3	7,731,346 People in Crisis
	Phase 2	6,877,624 People in Stress		Phase 2	6,785,326 People in Stress
	Phase 1	5,884,083 People minimally food secure		Phase 1	5,153,244 People minimally food secure

Afghanistan IPC acute food insecurity analysis projection from August 2018 until February 2019. (Source: Integrated Food Security Phase Classification)



شکل ۱. رده‌بندی سطوح مختلف امنیت غذایی در افغانستان

افغانستان در حال حاضر با یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین بحران‌های تساتی در جهان مواجه است و با افزایش ناگهانی ناامنی غذایی و از دست رفتن معیشت در نتیجه تأثیر گسترده جنگ و ناامنی، با بلاهای طبیعی و جابه‌جایی انبوه مواجه است. وضعیت معیشت و توان مردم در تهیه مواد غذایی در ماه‌های گذشته به طور قابل توجهی بدتر شده است که عمدتاً ناشی از خشکسالی شدید در سال ۲۰۱۸ می باشد.

۱. حدود ۱۳,۵ میلیون نفر به شدت از ناامنی غذایی رنج می‌برند و نیازمند حمایت‌های فوری هستند.
۲. کمبود بودجه و ناامنی در این مناطق مانع از اجرای حمایت‌های بشردوستانه در طول نیمه اول سال شد.



به دنبال تجدیدنظر در برنامه پاسخ تسانی ۲۰۱۸، بیست ولایت افغانستان در معرض ناامنی غذایی هستند و به‌عنوان مناطق نیازمند برنامه‌های حمایتی در زمینه تأمین نیازهای غذایی، دسترسی به آب بهداشتی، سیستم فاضلاب، صحت و معیشت شناخته شده‌اند.

در صورت عدم مدیریت و برنامه‌ریزی، ادامه روند حاضر بر شاخص امنیت غذایی خانوارها اثر منفی خواهد داشت. ثبات این شاخص و بهبود روند افزایشی آن باید اولویت برنامه‌های توسعه آتی قرار گیرد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود دولت از طریق حذف موانع تجارت، هم‌چنین تشویق مکانیزم‌های نوین در بخش کشاورزی و توجه بیش‌تر به وضعیت معیشت اقشار کم‌درآمد، در جهت ارتقای شاخص امنیت غذایی کشور اقدام نماید.

### ۲-۳. گرمایش جهانی و خشکسالی

در طی سال‌های اخیر، اکثر مناطق در افغانستان بین چهار تا شش فصل متوالی بارندگی کم‌تر از حد میانگین را تجربه کرده‌اند. این مسئله باعث کاهش قابل توجهی در عمق و ذخیره برف، جریان رودخانه‌ها، سطح آب در پشت سدها، جداول آب و رطوبت خاک شده است. در ماه ژوئیه ۲۰۱۸، سیستم هشدار قحطی (FEWS)<sup>۱</sup> گزارش داد که در ۲۲ ولایت از ۳۴ ولایت افغانستان، میزان بارش برف و باران در مدت اوت ۲۰۱۷ تا ماه می ۲۰۱۸، ۳۰ تا ۶۰ درصد کم‌تر از نرخ میانگین بارش سالانه بوده است. این شرایط در حال حاضر به صورت منفی و غیر قابل بازگشت بر صنعت کشاورزی افغانستان اثر گذاشته است. علاوه بر این، با توجه به چهار دهه جنگ و عدم برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت مناسب منابع طبیعی، جنگل‌زدایی تأثیرات خشکسالی را افزایش داده است. چرخه‌های خشکسالی در حال حاضر بسیاری از مناطق را در شرایط قبل از قحطی و آسیب‌پذیر قرار داده و باعث از دست‌دادن محصولات کشاورزی، دامداری، معیشت و کاهش قدرت خرید مردم شده است. به عقیده FEWS، انتظار می‌رود کل جمعیت در معرض تهدید ناامنی غذایی به دلایل خشکسالی، مناقشات و فرصت‌های ضعیف شغلی و مهاجرت، بین ۶ تا ۷ میلیون نفر افزایش یابد. مهم‌ترین مناطق متأثرشده شامل بادغیس، دایکندی و بدخشان است که در اواسط سال ۲۰۱۹ در شرایط اضطراری قرار گرفتند.

حدود ۲,۶ میلیون نفر در فاز ۴ IPC در سطح کشور طبقه‌بندی می‌شوند. این افراد نیاز به اقدام

1. The Famine Early Warning System.



فوری برای مبارزه با قحطی و حفاظت از معیشت دارند. در مقایسه با آنالیز قبلی در همین دوره زمانی، پیش‌بینی می‌شود که جمعیت کنونی که در فاز ۳ و ۴ قرار دارند، تا ۱۷،۴ درصد افزایش یابد (از ۲۶،۲ تا ۴۳،۶ درصد). مطالعات انجام‌شده توسط FEWS)) در ژانویه ۲۰۱۹، حاکی از این است که از نوامبر ۲۰۱۸ تا فبروری ۲۰۱۹، کل جمعیت در فاز ۳ و ۴ IPC به ۱۰،۶ میلیون نفر (۴۷،۱ درصد جمعیت روستایی) افزایش یافته است.

پیامدهای خشکسالی مهاجرت در داخل افغانستان را نیز به شدت متأثر کرده است و موجب آوارگی ۲۸۷۰۰۰ نفر از مردم در مناطق شمال‌غربی و غرب شده است. هجوم ناگهانی بیش از ۲۵۰ هزار نفر به حومه هرات، فقط در مدت چند ماه منجر به ظهور ۱۹ شهرک مسکونی غیر رسمی شده است. خانواده‌های مهاجرشده در پناه‌گاه‌های موقت و نامناسب زندگی می‌کنند. آن دسته منزلی که در بستر رودخانه‌های خشک قرار دارند، در فصل زمستان در معرض سرمای شدید و خطر بالای سیلاب ناگهانی قرار دارند.

خشکسالی هم‌چنین بر بخش‌های مختلف، مانند مالداری، جنگل‌ها و مراتع و کیفیت آب، آسیب می‌رساند. روند رو به کاهندگی منابع آب کشور، یک عامل منحصر به فرد و محدودکننده اصلی تولیدات کشاورزی و موجب مخاطره مستقیم امنیت غذایی و بلکه در بلندمدت موجبات مخاطره‌های امنیت ملی نیز خواهد بود. روند بحران آبی کشور، فراتر از شرایط طبیعی کشور، متأثر از عوامل انسانی و مدیریتی بوده که فقط ظهور و بروز آن، در مصرف بی‌رویه منابع آب مشاهده می‌شود. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که خشکسالی منجر به رکود تولید، پیدایش فقر، تغییر در زراعت و بحران معیشت شده است. افغانستان علاوه بر دارا بودن سطح وسیعی از اراضی زراعتی، دارای رودخانه‌های پهناور و پرآب است که آب مورد نیاز کشورهای همسایه را نیز تأمین می‌کند؛ بنابراین، شناخت خشکسالی‌های کشور به منظور مدیریت بهتر منابع آب و انجام طرح‌های مختلف در منطقه، از اهمیت بالایی برخوردار است.

بر این اساس پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- برنامه‌های آموزشی و ترویج برای تقویت و جایگزینی سیستم‌های مدرن آبیاری؛
- توسعه و پشتیبانی فناوری‌های پایش و پیش‌آگاهی هواشناسی؛
- توسعه زراعت در قالب اجرای طرح‌های افزایش بهره‌برداری از منابع آب و خاک هم‌چون



- پروژه‌های احداث سد با هدف تأمین آب مورد نیاز اراضی زراعتی و بهبود معیشت خانوارهای روستایی؛
- تقویت و مرمت منابع آبی از طریق جلوگیری از حفر چاه‌های عمیق غیر مجاز در حریم دریاها و چشمه‌ها؛
- تغییر الگوی کشت، به‌کارگیری تکنیک‌های جمع‌آوری باران و استحصال آن؛
- در اختیار نهادن بذرهای مقاوم به خشکسالی و اصلاح‌شده با قیمت ارزان به کشاورزان منطقه؛
- خرید تضمینی محصولات تولیدشده در پایان فصل زراعی به وسیله دولت برای افزایش نسبی سود دهقانان؛
- تعریف تیزهای دانشگاهی در خصوص تأثیر تغییر اقلیم بر کمیت و کیفیت منابع طبیعی برای دانشجویان. این پژوهش‌ها باید نظام‌مند و یکپارچه انجام شوند تا در نهایت امکان استفاده از این پژوهش‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و بهبود توسعه و کیفیت زندگی مردم فراهم شود.

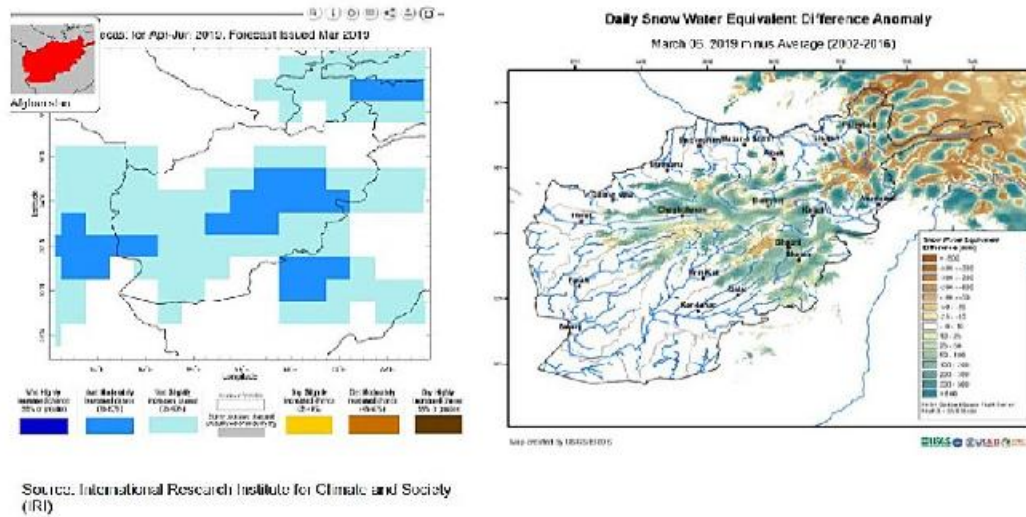
### ۳-۳. سیل

در حالی که وضعیت خشکسالی تا کنون کاهش نیافته است، تعدادی از ولایت‌های متأثر از خشکسالی، با سیل‌های ناگهانی در ماه مارچ ۲۰۱۹ مواجه شدند و باعث آسیب‌پذیری بیش‌تر آن‌ها شده است. پدیده تغییر اقلیم موجب تکرار حوادث غیر مترقبه، نظیر خشکسالی و سیل، می‌شود که بر منابع آبی تأثیر می‌گذارد. گرمایش زمین که به دنبال آن افزایش دما انتظار می‌رود، سبب افزایش روان‌آب حاصل از ذوب برف زمستانی می‌شود.

شرایط «ال‌نینو» که در اوایل ماه فبروری امسال اعلام شد، موجب بارش برف و باران‌های فوق‌العاده به صورت بیش از میزان طبیعی و همچنین درجه حرارت بیش‌تر در سراسر کشور شد که در پیش‌بینی فصلی هواشناسی برای ماه‌های مارچ- می ۲۰۱۹ منعکس شد. جذب ضعیف باران توسط خاک و پوشش گیاهی محدود در بسیاری از مناطق کوهستانی به دلیل خشکسالی، عامل تشدید باران‌های سنگین در ماه‌های مارچ و آوریل و جاری‌شدن سیلاب بود. تجزیه و تحلیل اولیه بارش سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد که میزان بارش باران بالاتر از میانگین، درجه حرارت بالاتر و ضخامت برف بیش‌تر است. همگرایی این حوادث آب و هوایی منجر به جاری‌شدن سیل



و رانش زمین در نتیجه انسداد مسیرهای ارتباطی این مناطق در طول این ماه‌ها شد.



شکل ۲: تغییرات میزان آب معادل برف روزانه

مشکل سیلاب‌های ناگهانی در فصل بهار با وجود دره‌های باریک و تنگ تشدید شد که باعث ویرانی بسیاری از خانه‌های روستاییان در مسیر عبور سیلاب شد. هم‌چنین، زمین‌های کشاورزی و تجهیزات آبیاری زیر سطح آب فرو رفتند و آسیب دیده یا تخریب شده‌اند. جوامع انسانی در افغانستان به شدت مستعد آسیب‌پذیری از حوادث طبیعی نظیر سیل به دلیل عدم سرویس‌های پشتیبانی خدمات می‌باشند. سیل با تخریب زیرساخت‌ها، تجهیزات و امکانات رفاهی، منجر به اختلال در عملکرد خدمات‌رسانی در مناطق آسیب‌دیده شد. برخی از ساختمان‌های عمومی و اصلی که در حین فاجعه آسیب دیده بودند، به علت آسیب به جاده‌ها و پل‌ها از دسترس خارج شدند.

جمعیت هلال احمر افغانستان (ARCS) یک ارزیابی از نیازی‌های فوری در ماه مارچ انجام داد که نشان می‌دهد که تعداد زیادی از پناه‌گاه‌ها و خانه‌ها، امکانات عمومی و مساجد تخریب شده‌اند و مردم آسیب‌دیده و بی‌جاشده به علت وقوع سیل‌های ناگهانی در کسپ‌های آورگان داخلی (IDP)<sup>۲</sup> جابه‌جا شده‌اند. انعطاف‌پذیری مردم در اکثر ولایت‌ها به علت خشکسالی‌های مداوم و طولانی‌مدت ضعیف بود.

1. Afghan Red Crescent Society (ARCS).  
2. Internally Displaced Persons (IDPs).





گرمایش جهانی و تغییر اقلیم به‌عنوان یکی از جدی‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی، توجهات جامعه جهانی را به خود جلب کرده و کارشناسان محیط‌زیست، تأثیرات منفی این پدیده را روی موجودات گیاهی و جانوری بررسی کرده‌اند و نسبت به آن هشدار می‌دهند. در افغانستان نیز مطالعاتی پراکنده در رابطه با اثرات تغییر اقلیم صورت گرفته است. این تغییرات می‌توانند بر تمامی جوانب زندگی انسان از جمله سلامتی اثرگذار باشند. البته تأثیرات تغییرات اقلیم بر سلامتی برحسب شرایط جغرافیایی، توپوگرافی و آسیب‌پذیری مردم منطقه متفاوت می‌باشد. تغییرات آب و هوایی به تبع آن افزایش میانگین دما، سبب افزایش موج گرمایی در تابستان و روزهای کم‌تر سرد در زمستان می‌شود. افراد حساس به موج گرمایی شامل مبتلایان آسم، بیماران روانی، کودکان و افراد سالخورده، افراد مشغول در مشاغل حرارتی استرس‌زا و بی‌خانمان‌ها، تحت تأثیر این تغییرات قرار می‌گیرند. هم‌چنین، افزایش دفعات وقوع موج‌های گرما، سبب افزایش رطوبت و آلودگی هوای شهرها می‌شود که خود می‌تواند بر سلامت انسان اثرگذار باشد. هم‌چنین، وقایعی مانند سیل، خشکسالی و گرد و غبار که از تبعات تغییرات آب و هوایی‌اند، می‌توانند از راه‌های مختلف بر سلامت انسان اثرگذار باشند. آلودگی منابع آب، افزایش ریسک ابتلا به بیماری‌های واگیردار و آسیب به زیرساخت‌ها، می‌توانند از تأثیرات منفی تغییرات آب و هوایی محسوب شوند. طبق بررسی‌ها در مناطقی که اقلیمی سرد و کوهستانی دارند، اثرات موج گرما شدیدتر است؛ بنابراین، باید روی اثرات سلامتی تغییر اقلیم در مناطق سرد و معتدل بیش‌تر متمرکز شویم؛ زیرا الگوی بارشی از برف به سمت باران در حال تغییر است و چون اقلیم این مناطق سرد بوده، مردم در برابر موج گرمایی ناسازگارتر هستند. برای همین هم مراجعات برای بیماری‌های قلبی و عروقی در فصل گرما بالا می‌رود و هم آمار تلفات افزایش می‌یابد. پارامترهای اجتماعی، اقتصادی و خصوصیات سن و جنس افراد در تشدید اثرات تغییر اقلیم نقش دارند و این تغییرات روی افراد سالخورده بیش‌تر تأثیر می‌گذارد.

در مناطقی که شغل اصلی مردم مالداری و کشاورزی است، اثرات تغییر اقلیم مشهودتر است؛ چون در صورت وقوع خشکسالی، مردم کل منابع معیشت و اشتغال خود را از دست می‌دهند. در نتیجه، تغییر اقلیم روی زندگی این افراد و به‌طور غیر مستقیم روی سلامت آن‌ها اثرگذار خواهد بود.



## ۴. اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

اصل همکاری بین‌المللی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌عنوان یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی تلقی می‌شود و جایگاه خاصی دارد. در این چارچوب، بهره‌برداری منطقی و معقولانه از سرزمین و مدیریت منابع مشترک هم‌چون منابع آبی فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی، تغییرات آب و هوا و تنوع زیستی، نیازمند همکاری‌های بین‌المللی است. تمایل جهانی به همکاری بین‌المللی در راستای حفاظت محیط‌زیست، در بسیاری از اسناد الزام‌آور و غیر الزام‌آور حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تصریح شده که آغازگر آن را می‌توان اصل ۲۴ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ دانست (پورهاشمی، ۱۳۹۲: ۶۱). اصطلاح «همکاری» را نخستین بار یک فرد انگلیسی به نام «رابرت اوون» در مقابل واژه «رقابت» به کار برد. همکاری به مفهوم مساعدت، یاری‌گیری، رعایت منافع جمعی و... یکی از جنبه‌های مهم زندگی اجتماعی است و چون با ذات و فطرت انسان‌ها سازگار می‌باشد، از آغاز زندگی جمعی بشر کاربرد داشته است. ضرورت همکاری با دیگران برای مقابله با خطرات طبیعی مانند سیل، زلزله، خشکسالی و... به آغاز زندگی انسان‌ها برمی‌گردد. با توسعه تمدن و گسترش شهرها نیاز به همکاری متقابل برای تأمین کمبودهای ناشی از پیچیدگی‌های زندگی شهرنشینی و ضرورت توجه به منظور به‌کارگیری سازوکارهای همکاری، بیش از پیش احساس می‌شود.

هرچند دولت‌ها دارای حاکمیت مستقل هستند؛ ولی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، یک الزام کلی به همکاری با دیگر دولت‌ها را به‌عنوان یک اصل در جهت برطرف کردن مشکلاتی که مربوط به جامعه بین‌الملل است، مورد توجه قرار داده است. بر پایه این اصل، دولت‌ها موظف هستند در همه شرایط و با حسن نیت، برای حفاظت از محیط‌زیست با یکدیگر همکاری نمایند.

## ۵. الزامات همکاری‌های بین‌المللی در افغانستان برای حفاظت از محیط‌زیست

امنیت انسانی از مردم آسیب‌پذیر در برابر موضوعات آزاردهنده، حمایت و محافظت می‌کند. مفهوم امنیت انسانی نه تنها به دلایل اخلاقی، بلکه به خاطر ترویج و ارتقای امنیت ملی و امنیت

1. Cooperation.
2. Robert Owen.
3. Competition.



بین‌المللی اهمیت دارد. در جهان به‌هم‌پیوسته و مرتبط، ثبات و نظم بین‌المللی به امنیت انسانی در داخل کشورها وابسته است. همان‌گونه که «هامپسون» و دیگران استدلال کرده‌اند، کشورها بدون امنیت شهروندان‌شان نمی‌توانند امنیت داشته باشند. در سطح بین‌المللی، ناامنی گسترده در درون کشورها، آثار و عواقب سرایت‌کننده به دولت‌ها و مردم همسایه و حتی مناطق دوردست دارد. کشورهای در حال توسعه جهان سوم بیش‌تر در معرض پیامدهای اجتماعی تخریب محیط‌زیست قرار دارند. این کشورها از منابع مادی، مالی یا فناوری لازم برای مدیریت مشکلات محیط‌زیستی خود برخوردار نیستند. در نتیجه، فشار بر منابع زیاد می‌شود، تولیدات کشاورزی تنزل می‌یابد، رکود اقتصادی پدید می‌آید، مردم ناچار به ترک خانه و کاشانه خود می‌شوند و نهادهای اجتماعی مختل می‌شوند. «هومر-دیکسون» عنوان می‌دارد که کمبودهای محیط‌زیستی می‌توانند همزمان موجب محرومیت اقتصادی و اختلال در کار نهادهای اجتماعی شوند و این امر به نوبه خود موجب شورش‌های ملنی می‌شود. مناقشه‌های مرتبط با محیط‌زیست می‌توانند پیامدهایی برای کشورهای توسعه‌یافته نیز داشته باشند؛ زیرا ممکن است ثبات منطقه‌ای بهم بخورد یا موجب مهاجرت‌های دسته‌جمعی مردم این مناطق به سمت کشورهای صنعتی شود.

با توجه به مطالب ذکرشده در قسمت‌های مختلف این پژوهش، به نظر می‌رسد جهان امروز خصوصاً در مسائل زیست‌محیطی، نیاز به یک همگرایی واقعی دارد. مرزهای سیاسی امروزه نمی‌توانند مانع ورود و تهاجم بحران زیست‌محیطی از یک سرزمین به سرزمین دیگر شوند. ایجاد امنیت زیست‌محیطی نیاز به مشارکت و تلاش همه کشورهای منطقه و در ابعاد بزرگ‌تر همه کشورهای جهان دارد. قطعاً آلودگی‌های زیست‌محیطی و بحران‌های ناشی از آن‌ها در ابتدا در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته، به دلیل نداشتن قوانین مدون زیست‌محیطی و فناوری‌های لازم، می‌توانند امنیت ملی این کشورها را به چالش بکشانند و در آینده مانند موجی به کشورهای توسعه‌یافته خواهند رسید. در وسعت منطقه‌ای و جهانی، دولت‌ها منافع مشترکی برای همکاری دارند و رعایت اصل همکاری برای حفاظت محیط‌زیست منطقه‌ای و جهانی حائز اهمیت است. در بسیاری از اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی این اصل مورد توجه قرار گرفته است.

اصل همکاری، از اصول لاینفک منشور سازمان ملل محسوب می‌شود؛ لذا تمامی دولت‌ها ملزم به رعایت آن هستند. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز الزام کلی به همکاری با دیگر دولت‌ها را به‌عنوان یک اصل در جهت برطرف کردن مشکلاتی که مربوط به جامعه بین‌المللی





است، مورد توجه قرار داده است. بر پایه این اصل، دولت‌ها موظف هستند در همه شرایط و با حسن نیت، برای حفاظت از محیط‌زیست با یکدیگر همکاری نمایند. جهت اجرای مؤثر این همکاری‌ها، زمینه‌های حقوقی، علمی و فنی نیز باید مورد تأکید قرار بگیرند. از سوی دیگر، بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی تصریح می‌کنند که کشورهای توسعه‌یافته بایستی تمامی اقدامات لازم را به منظور ترغیب، تسهیل و تأمین اعتبار، انتقال یا دسترسی به آگاهی‌ها و فناوری کامل و معقول زیست‌محیطی، برگزاری دوره‌های آموزشی تا تبادل اطلاعات و مشورت و کمک به هنگام موارد اضطراری محیط‌زیستی به سایر اعضا، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، جهت ارتقای توان آن‌ها انجام دهند. به منظور رسیدن به اهداف توسعه پایدار و اجرای اصل همکاری بین‌المللی به دلیل وسعت آن، نیاز به یک مکانیسم دائمی و مستمر است تا حرکت و تلاش دولت‌ها در حوزه محیط‌زیست، اجرای کارآمد و مؤثری داشته باشد و همکاری‌ها در سطح جهانی نهادینه شوند.

اگرچه افغانستان با معضلات امنیتی متعددی به واسطه جنگ‌های داخلی و تروریسم دست به گریبان است؛ اما در حوزه امنیت انسانی، باید با توجه به مشکلات محیط‌زیستی موجود، به‌ویژه بحران انرژی و آب و هوا، این عرصه را به‌عنوان مهم‌ترین دغدغه خود قرار دهد. رشد فزاینده مصرف انرژی در جهان، اتمام‌پذیری منابع فسیلی و معضلات زیست‌محیطی از جمله عواملی هستند که انجام تحقیقات گسترده در جهت دست‌یابی به انرژی‌های تجدیدپذیر و اجرای پروژه‌های حفاظت از محیط‌زیست را در سراسر جهان ترغیب کرده‌اند. امیدواریم در افغانستان نیز این امر هرچه زودتر تحقق یابد.

افغانستان به‌عنوان کشور سرچشمه اصلی چندین رودخانه مهم بین‌المللی، روابط پیچیده، دشوار و پرتنش را در مناسبات خارجی معطوف به حوزه آب و انرژی از سر گذرانده است. این مسائل حساسیت‌های بسیاری را به دنبال داشته و گاهی همسایه‌ها را به تقابل سوق می‌دهد. به همین دلیل، مدیریت مؤثر سیاست خارجی با تمرکز بر قابلیت‌های موجود امری دشوار است. در دوران پساطالبان، سیاست خارجی دولت تلاش برای رسیدن به میزان مطلوب از توان نظامی و ارتقای امنیت معطوف بوده است. درگیری‌های نظامی تحمیل‌شده از سوی گروه‌های تروریستی علیه دولت نوپای افغانستان منجر به تمرکز بودجه ملی بر تقویت نیروی نظامی جهت مقابله با مشکلات امنیتی شد. در سال‌های اخیر، حکومت وحدت ملی، دیپلماسی آب و توسعه منابع



انرژی، به‌خصوص عرصه تجدیدپذیر، را به‌عنوان سیاست مدون و منسجم به منظور توسعه روابط خارجی دولت افغانستان در تبادلات منطقه‌ای مورد توجه قرار داده است. ایجاد بندها و ذخایر آب، مهار سیلاب‌ها، ارزیابی‌های همه‌جانبه در مورد رودهای کشور، ایجاد مراکز تحقیقات ملی آب و محیط‌زیست از جمله اقدامات دولت در زمینه مدیریت منابع آبی می‌باشد تا با بحران آبی در آینده مقابله شود و علاوه بر تأمین نیازهای داخلی، روابط سیاسی نیز بهبود یابد. دیپلماسی انرژی و آب مبتنی بر ظرفیت‌های کشور می‌تواند منجر به توسعه مناسبات خارجی شود.

البته، این نکته را هم نباید فراموش کرد که مسئله بحران آب در سطح ملی و منطقه‌ای بیش از آن‌که به مقدار و دسترسی به آب متکی باشد، معول ساختارهای سیاسی و اجتماعی است که می‌بایست این منابع آبی را به درستی مدیریت کنند. عوامل انسانی به اندازه عوامل محیطی مؤثر هستند؛ عواملی چون رشد سریع جمعیت و پراکندگی نامناسب آن، زراعت نامؤثر و آب‌بر، سوء مدیریت و عطش توسعه، ساختار نامناسب حکمرانی آب، عدم سیاست‌گذاری جامع و فقدان نگرش بلندمدت به بحران‌های آبی، در این کمیابی مؤثر هستند. چه‌بسا اگر مدیریت منابع آبی به‌گونه‌ای هدفمند و مبتنی بر توسعه پایدار در دستور کار قرار گیرد، بتواند بر پیامدهای منفی تغییرات اقلیمی از جمله خشکسالی‌های هیدروژئولوژیکی فائق شود. افغانستان در کمربند خشک جهان واقع شده است و علی‌رغم وجود رشته‌کوه‌های هندوکش و پامیر، مقدار بارندگی در مناطق هموار و مسطح آن کم است. به گفته مسئولان وزارت آب و انرژی، در حال حاضر بیش از ۶۰ درصد مقدار آب‌های بازان کاهش یافته است. در افغانستان کشاورزی سنتی است و صنعت در عطش انرژی می‌باشد. ۸۰ درصد برق مصرفی از خارج وارد می‌شود و تنها یک سوم جمعیت کشور دسترسی به آب آشامیدنی بهداشتی دارند. مطالعات اولیه، منابع آب افغانستان را ۷۵ میلیارد متر مکعب تخمین می‌زنند؛ در حالی که تنها ۲۰ میلیارد متر مکعب آن در کشاورزی استفاده می‌شود و حجم بزرگی از آب بدون بهره‌برداری مؤثر از مرزهای افغانستان خارج و وارد حوزه‌های آبی همسایگان می‌شود. حوزه آبریز چهار رودخانه اصلی افغانستان یعنی آمودریا، کابل، هلمند و هریرود در کشورهای همسایه است. رود هلمند به ایران می‌ریزد و هریرود مرز مشترک آبی با ایران و ترکمنستان دارد. موقعیت افغانستان در هر چهار حوزه آبریز بالادست و سرچشمه است؛ اما به دلیل دهه‌ها جنگ، اشغال نظامی، ناامنی و دولت‌های ضعیف نتوانسته از منابع آبی و موقعیت هیدروژئوپلیتیک خود بهره‌برد.

رودخانه‌های مرزی مشترک و چگونگی بهره‌برداری از منابع آبی آن، هم می‌تواند محل نزاع و کشمکش میان دولت‌ها بر سر تضمین منافع حداکثری کشورشان باشد و هم می‌تواند موضوع همکاری مشترک به منظور توسعه پایدار منطقه و مقابله با تهدیدات مشترک محیط‌زیستی باشد. دیپلماسی آب، مدیریت مشترک و بهینه منابع آبی است که قرار است فراسرزمینی بیندیشد و در نگاه بلندمدت، صلح و توسعه پایدار منطقه‌ای را نوید دهد. دولت افغانستان باید برای مدیریت فرصت‌های هیدروپلیتیک خود بیندیشد. امید توسعه افغانستان به مدیریت و بهره‌برداری بهینه از منابع آبی است؛ بنابراین، رویکرد همکاری و مدیریت مشترک که مبتنی بر اهداف توسعه پایدار و برای پیش‌گیری از بحران‌های زیست‌محیطی است، پیشنهاد می‌شود.

افغانستان می‌تواند از مزیت‌های سرزمینی‌اش در چهارچوب مذاکرات سیاسی و حقوقی، امتیازات اقتصادی به دست آورد. با درخواست تبادل تکنولوژی از کشورهای منطقه، می‌توان هم نیازهای همسایگان را تأمین کرد و هم در بلندمدت به رشد اقتصادی کشور افزود و به توافق مشترک و همکاری رسید؛ بنابراین، سیاست دولت بر این باشد که سرمایه‌گذارهای خصوصی و بین‌المللی را جذب نماید.

افغانستان می‌تواند با تقویت همکاری‌های فراملی، هم جایگاه خود را در منطقه تثبیت نماید و هم در حل مسائل زیست‌محیطی با کشورهای منطقه نقشه راه آینده را ترسیم نماید. با ایجاد امنیت زیست‌محیطی در یک محدوده محیط‌زیستی مشترک، می‌توان به امنیتی باثبات در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی اندیشید.

## نتیجه‌گیری

تغییرات اقلیمی و چالش‌های محیط‌زیستی، پدیده‌ای جهانی می‌باشند که تقریباً می‌توانند در هر ناحیه به وقوع پیوسته و منجر به زیان‌ها و خسارت‌های عمده اقتصادی، اجتماعی و محیطی شوند. امروزه، امنیت آب و هوا و امنیت انسانی به هم پیوند خورده‌اند و نیازمند همگرایی سیاسی می‌باشند. اولین قدم برای مقابله با این تغییرات و تعدیل اثرات نابسامان آن، شناخت و درک دقیق از این واقعیت است. قدم بعدی اتخاذ راهبردها و انتخاب راه‌کارهایی است که بر اساس آن بتوان با پیامدهای این پدیده‌ها مقابله نموده و اثرات زیان‌بار آن را تا حد امکان کاهش داد. میزان تأثیرپذیری کشورها در برابر تغییرات اقلیمی، بستگی به چند عامل دارد که





یکی از عوامل آن میزان وابستگی هر کشور به منابع طبیعی است و کشوری که منابع طبیعی در تولید ناخالص داخلی آن سهم نداشته باشد، کم‌تر از این پدیده متأثر می‌شود. افغانستان که ۸۰ درصد مردم آن به کشاورزی مصروف‌اند و منابع طبیعی در تولید ناخالص داخلی آن سهم قابل ملاحظه‌ای دارد، شدیداً در برابر تغییر اقلیم آسیب‌پذیرتر است. دو رویکرد اصلی برای مقابله با مشکلات تغییرات آب و هوا وجود دارد: کاهش تأثیرات منفی و سازگاری. سازگاری به سه اصل دانش، تکنالوژی و سرمایه نیاز دارد؛ اما افغانستان در هر سه بخش با مشکل مواجه است. افغانستان یکی از کشورهای استراتژیک منطقه می‌باشد؛ بنابراین، باید حرکت و تلاش آن با کشورهای منطقه به سمت و سویی باشد که «اصل همکاری» را در مسیر توسعه پایدار قرار دهد. ایجاد سازمان همکاری در روابط منطقه‌ای میان دولت‌ها می‌تواند راهی به سوی اجرای کارآمد و برقراری توازن بیشتر میان اصول و قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست باشد. شرایط جدید زیست‌محیطی و تبعات آن بیش‌تر از هر وقت دیگر چنین رویکردی را ایجاب می‌کند تا مبتنی بر ظرفیت‌های موجود کشور در راستای تأمین منافع ملی گام‌های اساسی و به‌موقع برداشته شود. جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل و میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن‌ها بستگی به سهم هر یک از قدرت جهانی دارد. دولت‌ها بر بنیاد شاخص‌های قدرت ملی، از قبیل وسعت سرزمینی، جمعیت، دانش فنی، اقتصاد، منابع طبیعی و توان صنعتی، توان نظامی، نخبگان و سبک رهبری، به قدرت‌های بزرگ، متوسط و کوچک تقسیم‌بندی می‌شوند. افغانستان به‌عنوان کشوری سرشار از منابع طبیعی به رغم این‌که در عرصه امنیتی، ثبات سیاسی و مسائل اقتصادی با چالش‌های متعدد روبه‌رو است؛ اما فرصت‌هایی نیز وجود دارد که با استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در جهت مبارزه با تهدیدات مشترک تروریست، درباره تغییرات اقلیم بتوانیم مطالعات راهبردی انجام دهیم.

تحقق امنیت زیست‌محیطی می‌تواند پشتوانه امنیت ملی دولت‌ها قرار گیرد. امنیت انسانی، چندبعدی است و از گرسنگی و قحطی تا خطرات زیست‌محیطی، جرائم، بیماری‌ها و بلایای طبیعی را دربرمی‌گیرد. امنیت انسانی جهان‌شمول است و برای مقابله با تهدیدهای جدید در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است و بر پیش‌گیری، حفاظت، حمایت، توانمندسازی و جبران خسارت استوار است و سرانجام این‌که انسان‌محور است و به زندگی، حیات و کرامت ذاتی انسان‌ها توجه دارد. برنامه‌های سیاسی و توسعه ممکن است منجر به استفاده ناکارآمد از منابع



کمیاب شوند؛ با این حال، اگر به شیوه‌ی مناسب و یکپارچه اجرا شوند، می‌توانند سیاست‌های سازگاری با تغییرات آب و هوا و امنیت انسانی را ارتقا دهند.

## منابع

۱. بیضایی، بهروز و همکاران (۲۰۱۴)، «ایجاد ظرفیت سازگاری و انعطاف‌پذیری در برابر تغییر اقلیم در افغانستان»، پروگرام محیط‌زیست ملل متحد (UNEP)، اداره ملی حفاظت زیست، کابل، افغانستان.
۲. پورهاشمی، عباس؛ سحر زارعی و یلدا خنعتیری (۱۳۹۲)، «بررسی جایگاه اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۳۹.
۳. رنجبر حیدری، وحید و ابراهیم جمشیدی (۱۳۹۵)، «بررسی مفهوم امنیت زیست‌محیطی با نگاهی به چالش‌های امنیت زیست‌محیطی ایران»، فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال پنجم، شماره ۲۱.
۴. زند، مهران (۱۳۹۷)، «اثرات اقتصادی خشکسالی بر درآمد کشاورزان دیم‌کار (گندم و جو) در شهرستان خرم‌آباد»، هفتمین همایش ملی سامانه‌های سطوح آبرگیر باران، پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری.
۵. عزیزاده، عمران و زهرا پیشگاهی‌فرد (۱۳۹۰)، «تأمین زیست‌محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱»، چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره ۱۴.
۶. فتحی، غفت، سید هدایت‌الله نوری و سید ابوالفضل مسعودیان (۱۳۹۳)، «تأثیر کاهش منابع آبی بر کشاورزی طی سال‌های آبی (۱۳۷۰-۱۳۹۱) با تأکید بر تغییرات سطح زیر کشت و تولید محصولات باغی (مطالعه موردی: شهرستان لنجان)»، مجله علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، سال چهارم، شماره ۱.
۷. کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۰)، «پردازش مفهوم امنیت زیست‌محیطی (رابطه امنیت و اکولوژی)»، فصلنامه ژئوبلیتیک، سال هفتم، شماره ۳.
۸. هاشمی‌تبار، محمود، احمد اکبری و مهسا درینی (۱۳۹۷)، «تحلیل عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در نواحی روستایی جنوب استان کرمان»، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هفتم، شماره ۲.
9. Emergency Plan of Action Operation Update Afghanistan: Drought & Flash Floods, 2019.
10. Hiroshi, O, (2009), The Interlink age of Climate Security and Human Security: The Convergence on Policy Requirements Prepared for "Climate/Security" One day conference at University of Copenhagen.
11. <http://www.unep.org/afghanistan>.
12. International Institute for Sustainable Development (IISD) (2001), Livelihoods and Climate Change. At: <http://www.iisd.org/Cristal tool/documents/Livelihoods and Climate Change 2003>.
13. O'Leary, Shannon, (2007), Environmental Geopolitics at: [www.cwgl.Rutgers.eddo/global center/charlotte/human security](http://www.cwgl.Rutgers.eddo/global center/charlotte/human security).

